

موانع اجرای امر به معروف و نهی از منکر

در جامعه امروز



علی بختیاری

چکیده

غفلت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر سؤالی است که اذهان جامعه امروز ما به آن توجه جدی دارد و حتی برخی بر این اعتقادند که این اصل به دست فراموشی سپرده شده است.

از مهمترین عوامل فراموش شده این فریضه، نبود و یا ضعف انگیزه در دل‌های مردم است که ضعف ایمان منجر به این وضعیت شده است.

موانعی که در کنار ضعف ایمان باعث عدم اجرای صحیح این فریضه شده، عبارتند از:

۱- ترس

۲- بد عمل کردن به این فریضه

۳- تبلیغات سوء و جوسازی رسانه‌های دشمن

۴- وجود بهانه‌های مختلف

۵- کوتاهی علماء، نخبگان و مسئولین کشور

وظیفه اصلی در رفع این موانع بر عهده علماء و نخبگان است (در تقویت ایمان مردم و هم در مسئولین به انجام وظیفه شرعی و قانونی خود).

کلید واژه: امر به معروف و نهی از منکر، جامعه امروز، موانع، علماء و نخبگان، مسئولین کشور،

دشمنان.

مقدمه

هر روز که می‌گذرد اذهان آحاد جامعه ما بیشتر متوجه این سؤال می‌شود که با این وضعیت آزاردهنده موجود در سطح اخلاق و ارزش‌های جامعه چرا فریضه واجب و مورد نیاز امر به معروف و نهی از منکر روی زمین مانده و به دست فراموشی سپرده شده است. وقتی که درد حس می‌شود و شدت پیدا می‌کند نیاز به دوا و سراغ گرفتن از آن، لحظه‌ای فراموش نمی‌شود، پس چگونه است درد هست و کسی سراغ دوا نمی‌رود. آیا می‌خواهیم اما موانعی وجود دارد؟ نمی‌توان گفت جامعه درد را حس نکرده است، چرا که گفته‌های علما و صاحب‌نظران هزار چندگانه به وضوح شنیده می‌شود، اما خبری از دوا نیست. در این نوشتار بر آنیم تا موانعی که بر سر راه عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امروز ما وجود دارد را مرور کنیم. اجرای این مهم علاوه بر رفع موانع، نیاز به وجود مقتضیاتی هم دارد که به نوعی نبود این مقتضیات خود مانع است. از این رو (وجود موانع و نبود مقتضیات)، تحت عنوان (موانع)، عنوان می‌شود.

نبود انگیزه

اقدام و حرکت، ثمره انگیزه و اراده انسان است. می‌توان گفت مهم‌ترین عامل در زمین ماندن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ما، نبود یا ضعف انگیزه برای این کار است. که این امر می‌توانست، به طور تدریجی موانع بر سر راه را برطرف می‌ساخت و حیاتی تازه‌تر به آن می‌بخشید. پس باید، فکرایجاد انگیزه بود. سؤال مهم این است، چرا برای موضوعی که اهمیت آن در بیان قرآن و روایات معصومین تا بدانجاست که از آن به عنوان مهمترین واجب، قوام شریعت، حیات دین، غایت

دین، شاخه‌ای از جهاد، استواری دین و... یاده شده است، انگیزه کافی وجود ندارد؟ اسلام در طول تاریخ دوران‌هایی را گذرانده است که آگاهی کافی از آن حوادث، ضرورت و اهمیت فریضه‌ای مانند امر به معروف و نهی از منکر را بر همگان روشن می‌سازد. نبود انگیزه در این راستا را می‌توان معلول عوامل زیر دانست.

ضعف ایمان

وقتی منکری را به صورت آشکار و پرسروصدا در سطح جامعه می‌بینیم و در نهی از آن اقدامی نمی‌کنیم، گذشته از تمامی عوامل دیگر، این ضعف ایمان است که همان پای مردد ما را هم از حرکت باز می‌دارد و زمین گیرمان می‌نماید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«من رأی منکم منکرا فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فبلسانه، فإن لم یستطع فبقلمه وذلک أضعف الايمان»

اگر کسی از شما منکری دید باید آن را با دست خویش دگرگون سازد، اگر نتوانست پس با زبان خویش، پس اگر باز هم نتوانست با دل خویش و آن کمترین درجه ایمان است (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۷۶۸).

و حتی در بعضی از روایات از ضعف در این راه به عنوان بی دینی یاد شده است:

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

(خداوند، مؤمن ناتوانی را که دین ندارد دشمن می‌دارد) به حضور مبارکش عرض شد: کدامین مؤمن است که دین ندارد؟ فرمود: «کسی که از منکر نهی نمی‌کند» (صابری یزدی، ۱۳۷۲، ص ۳۶۱).

در ترک امر به معروف و نهی از منکر عوامل دیگری وجود دارند که چنانچه ضعف در ایمان باشد این عوامل می تواند کارگر شوند که عبارتند از:

الف- ترس

قال علی علیه السلام «اعلموا ان الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر لایقربان من اجل و لاینقصان من رزق فان الامر ینزل من السماء الی الارض کقطر المطر الی کل نفس بما قدر الله لها من زیاده او نقصان فی نفس او اهل او مال»
بدانید امر به معروف و نهی از منکر اجلی را دور و روزی را ناقص نمی کند. زیرا این امر (اجل و روزی) مانند قطره های باران به هر شخص به همان اندازه که خداوند در نظر گرفته زیاد یا کم، در جان یا اهل یا مال از آسمان فرود می آید (حرعاملی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

الف-۱- ترس از دست دادن منافع دنیایی

الف-۲- ترس از بی اعتنایی

الف-۳- ترس از دست دادن دوستان و منزوی شدن

الف-۴- ترس از استهزاء و تمسخر و تحقیر

الف-۵- ترس از انتقاد

الف-۶- ترس از تنهایی در میدان عمل

الف-۷- ترس از تهدید و خطرات

الف-۸- ترس از شکست و نپذیرفتن طرف مقابل

ب- بد انجام شدن امر به معروف و نهی از منکر

سؤال: شاید بعضی از افراد از شیوه‌های بدی برای این کار استفاده کنند، اما چرا انجام این اصل حتی توسط افراد مسلط به روش‌ها، کم‌رنگ و با ترک شده است؟ در جواب می‌توان گفت که عملکرد مناسب بعضی از آمرین جو بدی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه به وجود آورده‌اند و دسیسه‌های بعضی از شیاطین هم در این زمینه مزید بر علت شده است تا خیلی از افراد که مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرند، آمرین و ناهین را گروهی مزاحم آزادی و بی‌منطق قلمداد نمایند و همین جو مسموم، زمینه را برای اجرای این اصل مرفی و واجب اسلام نامساعد می‌سازد. به دلیل اهمیت این موضوع، بعضی از علل اقدامات افراد کج‌سلیقه و ناموفق در این اصل را یادآوری می‌کنیم:

ب- ۱- کم‌اطلاعی و عدم روش‌شناسی

در جامعه ما خیلی از مردم خود را آگاه و عالم نسبت به مسایل دینی به شمار می‌آورند و حتی، بعضی از آن‌ها خود را غنی و بی‌نیاز از فراگیری در این زمینه می‌دانند. از سوی دیگر ما نیز اقدام قابل توجهی از جانب متولیان امر در راستای آموزش روش‌ها و فنون اجرایی این اصل نمی‌بینیم. آگاهی نداشتن و اشراف والدین در تربیت فرزندان از آنان والدینی تنها پند دهنده و یا مانع، در ذهن فرزندان ساخته است، که این از بزرگترین عوامل تعارض در اذهان جوانان است. گاهی دیده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر ساماندهی شده، توسط سازمان‌های متولی این امر، از سوی نوجوانان و یا جوانانی انجام می‌شود که کمترین آموزشی از منطق و روش‌های

اجرای این عامل مهم تربیتی ندارند. این نوع عملکرد خود می تواند منکری مضر باشد.

ب-۲- مراعات نشدن مراحل کار

در این بخش ذکر دست نوشته ای از استاد شهید مرتضی مطهری کافی است: (.... در حدیث است که امر به معروف سه مرحله دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله دست و به تعبیر دیگر مرحله فکر و نیت، مرحله نطق و بیان و مرحله عمل. ما از این سه مرحله تاکنون این طور استنباط کرده ایم که مرحله قلب، یعنی مرحله پندها و اندرزهای خشک و تحکم آمیز و بی هدف و مرحله دست، یعنی مرحله اعمال زور و خشونت، زدن و بستن و دهان خرد کردن، در حالی که می توان گفت که مرحله قلب و دل یعنی مرحله علاقه و فکر، ما اول باید علاقه و اخلاص داشته باشیم، بی علاقه، ریاکار، مغرض و مستأکل دینا به دین نباشیم و بعد فکر و منطق صحیح داشته باشیم و ثانیاً در مرحله زبان، بیان حقیقت روشن کن داشته باشیم، نه اوامر و نواهی تحکم آمیز، به وسیله زبان و قلم می توان حقایق را روشن کرد و درخور فهم و هضم روحی افراد قرار داد و در مرحله سوم باید منطق عملی داشته باشیم، یعنی راه عمل را انتخاب کنیم و طی نمائیم) (هفته نامه افق حوزه، شماره ۱۰۷، صفحه ۶۴).

ب-۳- استفاده از زبان زور و تحکم و غفلت از اخلاص و عمل

(.... در اجرای امر به معروف و نهی از منکر آن چیزی که بیشتر مورد توجه بوده و وسیله بوده الان هم می بینیم، مردم در اجرای این دو اصل توجه شان به همین دو چیز است. آن دو چیز یکی گفتن است و دیگری اعمال زور، یعنی اول بگوییم بعد هم اگر از گفتن نتیجه نگرفتیم اعمال زور بکنیم... ما بیش از اندازه از این گوش و زبان

بیچاره انتظار داریم، گاهی هم بلکه بیشتر اوقات باید از راه عمل و چشم استفاده کنیم، ما با دست خود و عمل خود خوب رفتار کنیم تا آنها با چشم خودشان ببینند، یک مقداری هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم... (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

ب-۴- عصبانیت

از جمله چیزهایی که در روند عمل به امر به معروف و نهی از منکر زیاد خودنمایی می کند و وجهه نازیبا و ناموفقی از آن نشان می دهد، عصبانیت در رفتار آمرین است که باید با تدبیر و هدفمندی کنترل گردد. هرچند در چنین مواقعی زمینه برای بروز عصبانیت آماده است اما با توجه به لزوم پرهیز از عصبانیت بر اصلاح طرف مقابل باید خیلی مواظبت کرد.

دلایلی که باعث عصبانیت در این مواقع می شوند، ذکر می شوند که توجه به آنها ما را در کنترل رفتار کمک می کند:

۱- احساس عجز و ناتوانی در امر به معروف و نهی از منکر

۲- افتضاح فرض کردن اوضاع به خاطر منکر موجود

۳- توقع زیادی از خود و دیگران

۴- به دست گرفتن کنترل فضا

۵- احساس تنها ماندن در جمع

ب-۵- غفلت از اصالت امر به معروف و نهی از منکر

اگر بخواهیم کار، اثرگذار و سازنده باشد باید طوری عمل کنیم که امر به معروف و نهی از منکر خود اصالت دار باشد. نه اینکه تابع یک حزب و گروه و یا جریانی

جلوه کند، بلکه باید نماد یک اصل اصیل از اسلام باشد و به نحوی عمل شود که تقویت کننده دین باشد نه تضعیف کننده آن. اگر اشخاص امر و نهی ما را در راستای منافع شخص و یا گروه و فکر خاصی تلقی نمایند، به علت آن دید منفی، در مقابل آن جبهه گیری می کنند و کار ما اثر گذاری نخواهد داشت.

ج- تبلیغات سوء و جوسازی رسانه های دشمن

دشمنان اسلام برای اینکه در تهاجم فرهنگی خود موفق باشند در پی آن هستند کاری کنند که اصل امر به معروف و نهی از منکر کارایی خود را از دست بدهد و در نهایت به امری متروک تبدیل شود. به همین جهت اقدامات رسانه های غربی در قالب موارد زیر قابل ذکر است:

ج-۱- مخالف آزادی نشان دادن امر به معروف و نهی از منکر

یکی از اهداف ترویج تفکرات اومانیستی، فمینیستی و سکولاریستی این است که کسی اجازه نداشته باشد به کار دیگری دخالت کند و هر کس بتواند هر کار خواست انجام دهد. در جامعه امروزی ما این تفکرات جای خود را پیدا کرده است و حامیان زیادی دارد. تا جایی که در مقابل آمرین و ناهیان، آشکارا به دفاع از افعال منکر خود اقدام می نمایند و ناشایستگی را به فعل شخص مقابل نسبت می دهند.

ج-۲- ترویج فرهنگ فاسد و مفسد غرب و عادی سازی آن

از جمله مسایلی که متدینین را نسبت به فریضه امر به معروف و نهی از منکر ناامید کرده است فراگیر و عادت شدن بسیاری از منکرات صادر شده از غرب، در سطح جامعه است که نتیجه همان رسانه های غربی به خصوص ماهواره است.

- ج-۳ - شناساندن چهره خشن و مزاحم از آمرین و ناهیان
ج-۴ - ترغیب جوانان، به خصوص دختران به هنجارشکنی، به عنوان یک
اقدام سیاسی تلافی جویانه در مقابل نظام

د- وجود بهانه های مختلف

د-۱- به بهانه «تو را در قبر دیگری نخواهند گذاشت»

از این حرف برداشت غلطی می کنند. جامعه ای که همه در آن زندگی می کنند که قبر نیست و اعمال افراد بر یکدیگر تأثیر خواهد داشت، به خصوص اعمالی که در صحن جامعه و آشکار انجام می پذیرد.

از جعفر بن محمد عنه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سَرًّا لَمْ تَضُرْ إِلَّا عَامِلَهَا وَ إِذَا عَمِلَ بِهَا عِلَاقِيَهُ وَ لَمْ يَنْغِيرْ عَلَيْهِ أَضَرَّتْ بِالْعَامَةِ»
از امام صادق عنه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه بنده در پنهانی گناه کند زیانش تنها به صاحب آن می رسد، ولی اگر آشکارا گناه نماید و کسی با او مخالفت نکند زیانش به تمام مردم خواهد رسید (حمیری، ۱۳۷۱، صفحه ۲۶).

د-۲- بهانه «خودسازی و حفظ دین خود»

قال امير المؤمنين عنه السلام: «مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُنْكَرِ بَقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ مِيتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ»

آن کسی که زشتی ها را در دل و به وسیله دست و زبانش انکار نکند، مرده ای است میان زندگان (همان، ص ۲۸۵).

قال الصادق عليه السلام: «من كان له جار و يعمل بالمعاصي فلم ينهه فهو شريك» هر کس همسایه گنهکاری داشته باشد و او را از گناه باز ندارد شریک او خواهد بود (تویر کانی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۳).

د-۳- به بهانه «اقدام یک نفر فایده‌ای ندارد» اگر این فکر در فردی رسوخ کند، در خیلی از جاها مانع انجام تکلیف توسط آن شخص می‌شود نه تنها در واجبات عینی، بلکه در واجبات کفایی هم تک‌تک افراد قبل از مرحله کفایت وظیفه دارند که به وظیفه خود عمل کنند.

د-۴- به بهانه «(ازما نمی‌پذیرند) و عدم احتمال تأثیر» هر چند عدم پذیرش منکرین دلایل مختلفی چون (جهل - تکبر - تعارضات فکری - عادات غلط - لقمه حرام و...) می‌تواند داشته باشد اما در بعضی از اوقات عملکرد بد آمر یا ناهی باعث عدم پذیرش است که باید طوری اقدام کرد که درصد پذیرش بالا رود و مطلب دوم اینکه برداشت غلطی از (احتمال تأثیر) می‌شود و آن این است که شخص بدون هیچ بررسی و اقدامی اگر احتمال عدم تأثیر بدهد تکلیف را ساقط می‌داند، درحالی که معنی درست این جمله این است که شخص با در نظر گرفتن شرایط به نحوی عمل کند که احتمال بدهد این طور احتمال تأثیر بالاست.

د-۵- به بهانه «وظیفه دیگران است» درست است که در مراحل مقابله با منکرات از شئون حکومت اسلامی است. اما این باعث نمی‌شود که نظارت عمومی رفع شود و افراد در مواجهه با منکرات آشکار و روشن در سطح جامعه وظیفه‌ای نداشته باشند.

۵- کوتاهی علما، نخبگان و مسئولین کشور

اگر ترک امر به معروف و نهی از منکر از آحاد جامعه قابل قبول نباشد به مراتب این کار از جانب علمای دین و نخبگان آگاه و مسئولین پذیرفته شده نیست و اثرات مخربی بر جامعه اسلامی و اهداف آن خواهد داشت. به نظر می‌رسد امروز در جامعه ما این عامل سهم بیشتری از عوامل دیگر در فراموش شدن این فریضه مهم اسلام دارد. که در ابتدا به وظیفه علما و نخبگان و سپس به وظیفه مسئولین قانونگذار و اجرایی خواهیم پرداخت.

۵-۱- علما و نخبگان

قال رسول الله ﷺ: «مررت فی ليله المعراج بقوم یقرضون شفاعم بالمقاریض، قلت یا جبرئیل من هؤلاء؟ فقال: الخطباء و العلماء من أمتک الذین یقدرون علی ابلاغ الاحکام و الطاعات علی أمتک سامحوا»

شب معراج برگرومی گذشتم که لب‌هایشان را با قیچی می‌بریدند. از جبرئیل پرسیدم: اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: گویندگان و علمای امت تو که توانایی ابلاغ احکام و طاعات را به امت داشتند ولی سهل‌انگاری نمودند (همان، ص ۲۸۵).

علت مسامحه بعضی از علما در اجرای این فریضه را می‌توان در مطالب زیر ذکر کرد:

۱- واگذار کردن تمام این کار به رهبری و مسئولین دیگر

۲- محدود دیدن دایره امر به معروف و نهی از منکر در اعمال و اقدامات

هنجار شکنانه ظاهری بعضی از مردم

۳- مراعات احتیاط‌هایی تحت عنوان (حفظ مصالح نظام و عدم تضعیف نظام در داخل و خارج و حفظ آبروی افراد مرتبط تا حد ممکن)

۲-۵- مسئولین کشور

«الذین إن مكناهم فی الأرض أقاموا الصلوة وآتوا الزكاه وأمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر والله عاقبه الامور»

همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست. (سوره حج، آیه ۴۱)

کمتر کسی از مسئولین، (قوای حاکمه کشور) پیدا می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه حاکمیت نداند. اما چرا بعد از گذشت سال‌ها از انقلاب اسلامی هنوز ساز و کار قوی برای این اصل مهیا نیست؟ چند دلیل می‌توان گفت:

۱- اختلاف نظر در نحوه اجرای آن

۲- مداراهای درون حزبی

۳- حفظ منافع برای مدت‌های طولانی‌تری از طریق حفظ محبوبیت

۴- رفاه طلبی و آسایش و تن ندادن به شرایط مسئولین شایسته حکومت اسلامی

۵- نفوذ افراد سوء استفاده‌چی و امتیاز طلب در بین مسئولین

در اینکه اسلام بر وجود سازمانی که به طور رسمی اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر را برعهده داشته باشد تأکید دارد، اختلافی در بین علما نیست، به دلیل اینکه آیات قرآن دلالت بر این موضوع دارد «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون»

باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴).

و سنت و سیره حکومت‌های اسلامی نیز این بوده است که سازمانی تحت عنوان (حسبه) اجرای این فریضه را به عنوان یکی از شئون حکومت به عهده داشته است. چنانچه اگر مسئولی حکومت اسلامی را از این شأن، معاف و بلا تکلیف بداند به طور مسلم یا از دستورات اسلام در این زمینه بی اطلاع است و یا اینکه در این موضوع خائن است. البته بحث و تبادل نظر درباره جزئیات و روش‌های عملکرد چنین سازمانی در کشور می‌تواند به تقویت عملکرد آن بیانجامد.

نتیجه‌گیری

هدف بحث شناسایی موانع موجود بر سر راه اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امروز ایران اسلامی است و ارائه راهکارهای عملی برای این امر مجال دیگر می‌طلبد. اما شناخت این موانع و رفع آنها خود اقدامی کارگشاست. می‌توان نتیجه گرفت بیشترین نقش را علما و نخبگان آگاه جامعه بر عهده دارند، چه در تقویت ایمان آحاد مردم و چه در هشدار نسبت به عوامل تضعیف‌کننده ایمان آنها و چه در تقویت انگیزه و اراده مردم. ایجاد چنین فضایی که اجرای امر به معروف و نهی از منکر را خواسته اکثر مردم سازد از وظایف و توانایی علما است و مسئولین هم راهی جز توجه به خواست و اراده ملت نخواهند داشت.

کتابنامه :

- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ترجمه و ویرایش واحد پژوهش نسیم کوثر، قم، طلوع مهر، ۱۳۸۵.
- تویر کانی، محمدنبی بن احمد، لثالی الاخبار، قم، علامه، ۱۳۷۲، ج ۵.
- حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی مسایل الشریعه، قم ذوی القربی ۱۳۸۷، ج ۱۱.
- حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی مسایل الشریعه، قم ذوی القربی، ۱۳۸۷، ج ۱۶.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۳۷۱.
- صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهره عن النبی و عتره الطاهره علیهم السلام، ترجمه - قرآن مجید، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- محمدرضا انصاری محلاتی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۲.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ده گفتار، تهران: صدرا، ۱۳۸۵، ج ۲۰.
- هفته نامه خبری حوزه های علمیه، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۰۷، دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵.